

محسن رنایی گفته: امروز اگر به دلیل عملکرد نامناسب متولیان دین، دین دیگر کاربرد گذشته خود را ندارد باید چیزی پیدا کنیم که معنا تولید کند.

نهادهای مدنی فرایند بلوغ خود را طی نمی‌کنند؛



اولین نشست از سلسله نشست های «گفت و گوهای راهبردی ایران با عنوان نقش نهادهای مدنی در آینده توسعه ایران» با سخنرانی محسن رنایی در سالن اجتماعات سندیکای شرکت های ساختمانی برگزار شد.

به گزارش اسپاداناخبر، در ابتدای این نشست محسن رنایی این گونه آغاز کرد که: این نخستین سخنرانی من از آغاز سال 96 تا به حال است و امیدوارم آخرین آن هم باشد.

توسعه چیست؟

این اقتصاددان در ابتدا به تعریف توسعه از دیدگاه دیگران و خودش پرداخت و ابراز داشت: بر اساس تعریف دولت های توسعه گرا، کاربرد توسعه ۹ سطح دارد. این ۹ سطح شامل توسعه به مثابه پیشرفت تاریخی که معمولاً هم معطوف به تجربه غرب است، توسعه به مثابه استخراج منابع طبیعی که بیشتر ریشه در تجربیات دوران استعمار دارد، توسعه به مثابه تدارک برنامه ریزی شده پیشرفت، توسعه به مثابه یک وضعیت که تصویری کلی از شرایط به ما می‌دهد، توسعه به مثابه یک فرایند که گاهی فروافتادن یک سری از سازمان‌ها و برآمدن تکنولوژی جدید را به همراه دارد، توسعه به مثابه رشد اقتصادی که در ایران بیشتر مسئولین توسعه را از این منظر می‌نگرند؛ مثلاً ما در برنامه های توسعه مان هیچ بخشی برای بهتر شدن اخلاق جامعه یا ترویج گفت و گو نداریم اما تا بخواهید در مورد سیما و جاده و انرژی اتمی برنامه داریم، توسعه به مثابه تغییر ساختارها، توسعه به مثابه نوسازی و توسعه به مفهوم جهش در نیروهای مولد است.

وی ادامه داد: اما تعریف منتخب من از توسعه عبارت است از سلسله تحولاتی که در فرایند این تحولات سه عامل رفاه، رضایت و معنا در جامعه به طور هم‌زمان بهبود یابد. ما به عنوان موجودات انسانی توسط سه عامل طبیعت، جامعه و هستی محاصره شده‌ایم. بنابراین اگر تحولاتی رخ دهد که رابطه من را با این سه، تسهیل، کم‌هزینه و دلپذیر کند، نامش توسعه است. یعنی کاری که با سقراط با عنوان «سعادت» شروع شد و تا همین 100 سال پیش ادامه داشت تا این که در قرن بیستم پرسشی دوباره در مورد همه عوامل سعادت مطرح کردیم و گفتیم این عوامل هر چه هستند باید رابطه ما را با طبیعت، جامعه و هستی دلپذیر کند.

رنایی یادآور شد: رابطه ما با طبیعت می‌تواند به ما «رفاه» دهد؛ ما باید کارهایی انجام دهیم که فشار طبیعت بر انسان را کم و در برابر طبیعت احساس آرامش کنیم. مثلاً با گسترش تکنولوژی از خسارات زلزله و سیل جلوگیری کنیم، جاده بسازیم و ... از دل این مواجهه ما با طبیعت رفاه حاصل می‌شود. یک سری کارهای دیگر باید انجام دهیم که رابطه ما با جامعه بهبود یابد. به عبارتی فشار قانونی دائم ما را تحقیر نکند، سقوط بورس، کودتا و ظلم و ... نداشته باشیم. به هر صورت باید اقداماتی انجام دهیم که در جامعه احساس «رضایت» داشته باشیم. هر کاری که موجب شود ما در جامعه احساس رضایت کنیم این کار توسعه ای است. بیشتر مهاجرت‌ها یا فرار مغزها در کشور ما به دلیل این مورد (رضایت) است نه به دلیل نداشتن رفاه، ما رفاهمان کم نشده ما به دلیل نارضایتی می‌خواهیم از کشور مهاجرت کنیم. دسته سوم فعالیت‌ها و کارهایی است که به ما در زندگی معنا ببخشد. یک چیزهایی باید در اطراف ما باشد که به زندگی من معنا ببخشد. در جامعه سنتی بخش اعظم معنا را دین تولید می‌کرد امروز اگر به دلیل عملکرد نامناسب متولیان دین، دین دیگر کاربرد گذشته خود را ندارد باید چیزی پیدا کنیم که معنا تولید کند. این تولید کننده‌های معنا در کنار دین، می‌تواند هنر، موسیقی و ادبیات و ... باشد.

این استاد دانشگاه گفت: من همیشه می‌گویم در توانمندی تمدن غرب همین بس که از یک رفاقه ای (از نگاه ما) به نام

مایکل جکسون یک کارخانه تولید معنا ایجاد کرده است. مایکل جکسون الگوی هنری که اتخاذ کرده بود همراه با موسیقی و شعری که می خواند به جوان ها معنا می داد. شما اگر شعر هایی که این فرد می خواند را ترجمه کنید، شعر های بسیار معنا دار و هویت بخشی هستند. منتها اکثر ما ها چون معنی شعر را متوجه نمی شویم، فقط رقصش را می بینیم. بنابراین غرب این توانایی را دارد که مایکل جکسون را به جای کلیسا بگذارد. بنابر تعریف من، توسعه مثلثی است که یک ضلع آن رفاه، یک ضلع آن رضایت و یک ضلع دیگر آن معناست. هرچه مساحت این مثلث بزرگ تر شود، توسعه ایجاد کرده ایم. رفاه از سرمایه گذاری های اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی و آموزش به دست می آید. رضایت از تقویت سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و نمادین تولید می شود و معنا با همه این سرمایه ها به دست می آید؛ فقط ما باید هنر تبدیل سرمایه ها به معنا را در جامعه پیدا کنیم و اجازه دهیم یک سرمایه انسانی مانند یک خواننده یا هر هنرمند دیگری بتواند سرمایه معنوی ایجاد کند. منظور از سرمایه معنوی همان حسی است که شما مثلاً وقتی حافظ می خوانید به شما دست می دهد به عبارتی حافظ یک سرمایه معنوی است. بنابراین سرمایه معنوی زاده شده از سایر سرمایه ها هستند.

نهاد چیست؟ رابطه توسعه و نهاد کدام است؟

رنانی با بیان اینکه توسعه یعنی تحول مستمر مثبت نهادی یا توسعه یعنی ارتقای مستمر کیفیت نهادها، افزود: نهاد نیز عبارت است از هرگونه ترکیباتی که همه یا بخشی از رفتارهای جامعه را کنترل می کند. مثلاً بانک مرکزی که رفتارهای پولی ما را کنترل می کند یک نهاد است. یا قانون اساسی، مسجد، خانواده، نورو، عاشورا و ... همه نهادهایی هستند که بخشی از رفتارهای ما را کنترل می کنند. نهاد می تواند رسمی یا غیررسمی، سازمان یافته یا غیرسازمان یافته باشد. سازمان یافته و رسمی مانند بانک مرکزی و غیر رسمی مانند نورو یا دین، نورو یک نهاد است که بخشی از ارتباطات اجتماعی را مدیریت می کند. گاهی قرض الحسنه محله که رفتارهای پولی یک محله را مدیریت می کند هم یک نهاد است.

رنانی، جامعه را مجموعه ای از نهادهای مختلف که مردم را کنترل و هدایت می کنند، تعریف کرد و گفت: جامعه شناسان نهادها را به چهار دسته کلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم می کنند. کل جامعه عبارت از ملغمه ای از انواع نهادهاست. نهاد مدنی، نهادی است که یکی از چهار قسم نهاد را در خود دارد، اما در شکل گیری آن مشارکت داوطلبانه نقش دارد. تمام نهادهای مدنی باید مشارکت داوطلبانه و غیرانتفاعی داشته باشند و باید بتوانند سرمایه اجتماعی هم ایجاد کنند. اگر سرمایه اجتماعی در نهاد مدنی ایجاد نشود، اصلاً نهاد شکل نمی گیرد، زیرا تولید مؤثر نهاد مدنی سرمایه اجتماعی است. ارتباطات، اعتماد، دوستی، امید، مشارکت و تحرک از تولیدات مؤثر نهادهای مدنی هستند.

وی افزود: فعالیت نهاد مدنی باید عقلانی و مستمر باشد. اگر زلزله شد و به کمک زلزله زدگان شتافتید، نهاد ایجاد نکرده اید. این یک حرکت توده وار احساسی است. فعالیت نهاد مدنی باید عقلانی و مستمر باشد.

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان با اشاره به این که نهادهای مدنی محصول جامعه مدرن هستند، تصریح کرد: زمانی که جامعه به سمت مدرن شدن حرکت کرد، دیگر ساختارهای قدیمی کارکردهای خود را از دست دادند، به همین دلیل، باید ساختارهای جدید در جامعه ایجاد می شد. دوره عبور جامعه از حالت سنتی به مدرن دوره گذار نامیده می شود که در آن نهادهای مدنی به تدریج تشکیل شدند.

وی تقسیم کار و ارتباط مستمر اعضای جامعه مدرن را یکی از تفاوت های اصلی جوامع امروزی با جوامع سنتی گذشته دانست و ابراز داشت: اعضای جوامع سنتی به شکل موزائیکی در کنار هم زندگی می کردند و ارتباط ارگانیک با هم نداشتند زیرا یک حکومت مرکزی این اعضا را به هم مرتبط می کرد، اما در یک جامعه مدرن قطعات مختلف یک کالا، در کشورهای مختلف تولید می شود و در چنین شرایطی ارتباطات نقش مهمی خواهد داشت.

وی گفت: در دوره گذار از سنت به مدرنیته، یک تحولی رخ می دهد. در دنیای سنتی اقتدار حکومت بالاست و اقتدار جامعه پایین است، اما در جوامع مدرن و توسعه یافته اقتدار جامعه بالاست و اقتدار حکومت در برابر جامعه پایین است. حکومت آمریکا اقتدارش در برابر جامعه مدنی پایین است و در برابر جامعه مدنی نمی تواند دست از پا خطا کند اما همین دولت در برابر دولت های دیگر ممکن است زور گو باشد. در این جابه جایی ها اگر نهادهای مدنی شکل نگیرند، دچار اضمحلال می شویم. در دنیای مدرن مهم است که جامعه مدنی اقتدار یابد. اگر اقتدار جامعه بالا نرود، دچار فروپاشی و درهم ریزی می شویم.

رنانی اضافه کرد: برای اقتدار باید قدرت باشد. نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که به وجود آمدند، قدرت دارند اما برای تبدیل شدن قدرت به اقتدار، نیازمند نهادهای مدنی هستیم. یعنی نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی باید بتوانند از جنس نهاد مدنی هم باشند تا بتوانند قدرت را به اقتدار تبدیل کنند. ما مزرعه های سنتی را منحل می کنیم و کشت و صنعت مدرن راه اندازی می کنیم. اینها قدرت اقتصادی دارند اما اگر تشکل مدنی نداشته باشند، قدرت اقتصادی خود را علیه دولت و جلوگیری از فشار دولت، نمی توانند استفاده کنند.

وی ادامه داد: وقتی می توانند اقتدار داشته باشند که کارآفرینان دارای قدرت اقتصادی بین خود نهاد مدنی تشکیل دهند. این ابزار تبدیل قدرت به اقتدار است. هر نهاد مدنی حتماً اجتماعی است اما هر نهاد اجتماعی، اقتصادی و ... مدنی نمی شود. حزب یک نهاد مدنی سیاسی است. سمن ها و ان جی اوها نهادهای مدنی اجتماعی هستند. نهادهای جامعه که شامل نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند، قدرت جامعه را تشکیل می دهند. این مجموعه ها به همراه سایر نهادهای قدرت مثل اطلاعات، دانش ثروت و منابع طبیعی که دست این نهادهاست، قدرت جامعه را شکل می دهند. نهادهای مدنی قدرت دست نهادهای چهارگانه را به اقتدار تبدیل می کنند.

به دلیل رانت‌های ناشی از پول نفت نهادهای مدنی فرایند بلوغ خود را طی نمی‌کنند

این اقتصاددان ادامه داد: اتفاقی که در جامعه ما رخ داده، این است که در پروسه گذار که از مشروطیت آغاز شده است، در زمینه بلوغ نهادهای مدنی خیلی پیش نرفته‌ایم. دو مسئله در ایران رخ داده است. هم‌زمان که ایران ما وارد دنیای مدرن شد، به فاصله یک سال نفت هم کشف شد. ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۴ قانون مشروطیت تصویب شد. یک سال بعد اولین چاه نفت کشف شد. پول نفت را دولت به ابزار کنترل جدید تبدیل کرد. اقتدار حکومت قاجار به دلیل رشد شرایط جهانی به شدت افت کرده بود. اما حکومت قاجار توانست با پول نفت، کنترل مصنوعی ایجاد کند. این کنترل مصنوعی از یک سو و سرازیر شدن رانت‌های ناشی از پول نفت، نهادهای مدنی را به جای هدایت به سمت مسیرهای درست به فضایی هدایت کرد که به سمت چانه‌زنی و دریافت سهم از نفت حرکت کنند.

رنانی تأکید کرد: با ظهور نفت فرایند سقوط اقتدار حکومت متوقف شد. حکومت ابزار کنترل پول نفت را در اختیار گرفت. نهادهای مدنی به جای حرکت به سمت بلوغ به دنبال چانه‌زنی و لینک‌شدن با حکومت رفتند و روند تکامل جامعه مدنی کند شد. نهادهای مدنی خیلی طول می‌کشد که بالغ شوند. ولی در ایران به علت اینکه صبر در جامعه ایران پایین است و توانایی مشارکت در کارهای گروهی به دلایل مختلف نداریم، اگر نهادهای مدنی شکل بگیرند، به سرعت به حکومت می‌چسبند. به همین دلیل احزاب و نهادهای قرض‌الحسنه و... به حکومت‌ها چسبیدند.

وی اظهار داشت: درباره نهادهای مدنی مشکلی که وجود دارد، این است که به دلیل رانت‌های ناشی از پول نفت نهادهای مدنی فرایند بلوغ خود را طی نمی‌کنند. اگر نهادهای مدنی سازماندهی پیدا کنند که هدف‌ها را اولویت‌بندی کنند و منابع را تخصیص عقلانی دهند، در فعالیت‌های خود استمرار ایجاد کنند، تقسیم کار کنند و بر فعالیت اعضا نظارت کنند، قطعاً به مرحله بلوغ می‌رسند، اما اگر این اتفاقات رخ ندهد، نهاد مدنی به سازمان تبدیل نمی‌شود. مشکل در ایران این است که نهادهای مدنی بالغ نمی‌شوند و یکی از دلایل اصلی این مسئله رانت‌های نفتی بوده است که سمت نهادهای مدنی می‌آیند.

رنانی اضافه کرد: ۴۰ سال است دو جناح در کشور داریم که نهاد مدنی هستند. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان دو جناحی هستند که فعالیت سازماندهی‌شده ندارند. رئیس، معاون و تصمیم‌گیر در این احزاب معلوم نیست. بهترین نمونه از ناتوانی بازیگران ما در ساخت نهاد مدنی این دو حزب است که ۴۰ سال است فعالیت می‌کنند اما اقتدار ندارند.

وی اصلی‌ترین آسیب نهادهای مدنی در جامعه را نابالغ ماندن دانست و گفت: این مسئله‌ای است که نهادهای مدنی باید در درون خود حل کنند. نهادهای مدنی نیازی به ثبت ندارند. نهاد مدنی الزاماً هویتش به پروانه نیست. به ارتباطات و همکاری جمعی و همکاری مستمر عقلانی است. آن هویت باید ساختار سازمانی پیدا کند اما متأسفانه ما در همکاری مدنی ناتوانی داریم.

این اقتصاددان گفت: خوشبختانه به علت کاهش درآمدهای دولت در ایران، این مسئله به‌طور طبیعی از بین می‌رود. بودجه‌های سرشاری که به حوزه‌های مختلف تخصیص می‌دادند، دیگر نیست و نهادهای مدنی باید تمرین کنند که روی پای خود بایستند و با هم همکاری و مدارا داشته باشند. نبود توان همکاری بلندمدت در ایران یک معضل اساسی است که باید حل شود.

هیچ دموکراسی پایداری بدون نهادهای مدنی بالغ شکل نمی‌گیرد

وی تأکید کرد: هیچ توسعه و دموکراسی پایداری شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه نهادهای مدنی بالغ شکل بگیرند. بلوغ وقتی است که نهادهای مدنی از بی‌شکلی به سمت سازماندهی حرکت کنند. در دهه گذشته ۱۰ هزار سمن تشکیل دادیم، اما چون این حرکت هیجانی بود و به سمت عقلانیت نرفت، ارتباطات مستمر شکل نگرفت و با اندک تغییری این ۱۰ هزار سازمان مردم‌نهاد محو شدند. در حال حاضر نهادهای مجازی ما در معرض همین آسیب هستند.

رنانی با اشاره به شکل‌گیری نهادهای مدنی مجازی عنوان کرد: در حال حاضر در ایران نهادهای مدنی مجازی را شکل می‌دهیم. امروز یکی از قدرتمندترین حوزه‌هایی که دارد شکل می‌گیرد، این است که جامعه مدرن به سمت دولت مجازی می‌رود. شاید ۱۰ سال قبل پیش‌بینی کردم که تا ۲۰ سال دیگر پول حذف می‌شود. امروز پیش‌بینی می‌کنم در چند سال آینده پول کاغذی از ساختار مبادلات حذف خواهد شد. این اقتصاددان بیان کرد: نخستین کشور اروپایی در ماه جاری اعلام کرد پول کاغذی کاملاً حذف است و به سمت پول دیجیتال می‌رود. این پول را دولت تولید می‌کند، اما به سرعت به سمت پول دیجیتالی می‌رویم که مردم آن را تولید کرده‌اند.

منبع/ پایگاه خبری جماران، فرهاد فتحی

برچسب ها: [مهاجرت](#) [1]